

منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

محمد رجبی^۱

احمدرضا عصارى^۲

چکیده

استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی، در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌الملل دارای مزایایی می‌باشد که موجب شده است تا کشورها بیش از پیش - از این ظرفیت برای کاهش سوء تفاهمات میان خویش استفاده نمایند. بر این اساس، دیپلماسی فرهنگی به حوزه‌ای از دیپلماسی تبدیل شده است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش می‌پردازد و بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش‌ها و منافع مشترک است. این مقاله درصدد است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟». بر این اساس، در گام نخست از «علوم و معارف اسلامی»؛ «فرهنگ و تمدن ایرانی»؛ و «آموزه‌های انقلاب اسلامی» به‌عنوان منابع اصیل دیپلماسی فرهنگی این کشور یاد شد. آنگاه، ضمن مروری اجمالی بر اسناد بالادستی و نیز اساسنامه سازمان‌های فعال در حوزه دیپلماسی فرهنگی، اهداف جمهوری اسلامی را برشمرد و در نهایت، به «فعالیت‌های علمی، آموزشی و فناورانه»؛ «جهانگردی و مهاجرت»؛ و «فعالیت‌های فرهنگی و هنری» به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی این کشور اشاره شد. نتیجه آنکه، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران قابلیت‌های چشمگیری در خصوص استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی دارد که استفاده بهینه از آن‌ها می‌تواند به ارتقای پارامترهای قدرت نرم در سیاست خارجی این کشور کمک نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، اسلام، انقلاب اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m52.rajabi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از وجوه روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی است که اگرچه در گذشته اهمیت چندانی نداشت ولیکن پس از کاهش احتمال درگیری‌های نظامی میان قدرت‌های بزرگ جهان -به‌ویژه پس از دوران جنگ سرد- و توجه به روابط فرهنگی برای کاهش سوءتفاهمات میان ایشان، از اهمیت به‌سزایی برخوردار شد و بدین ترتیب، امروزه از سازه‌های اصلی قدرت یک کشور به حساب می‌آید.

در ایران نیز با توجه به برخورداری این کشور از فرهنگ و تمدنی غنی، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی برای افزایش اعتبار و گسترش نفوذ این کشور در عرصه‌ی بین‌المللی ضرورت می‌یابد. بدین معنا، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تأکید بر عناصر فرهنگی و تمدنی غنی خویش، در بخش فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی به توان برخورداری از نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و پرداخت هزینه دست یابد. اتخاذ چنین برنامه‌ای با دیپلماسی فرهنگی و در جهت منافع ملی، ایران را به کشوری پرنفوذتر و قدرتمندتر در عرصه بین‌المللی تبدیل خواهد کرد که می‌تواند در زمینه‌های زیر فعال باشد:

- ارائه ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی به‌عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ و تأثیرگذار جهان؛
 - معرفی ترکیبی از اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی؛
 - تبلیغ سنت‌ها، باورها، تاریخ و آثار باستانی ایران به مردمان سایر کشورها (ملکی،
- ۱۳۸۷: ۸).

بر این اساس، این مقاله درصدد است تا به بررسی منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته و از این رهگذر، چگونگی نقش‌آفرینی آنها را در افزایش قدرت و نفوذ این کشور تجزیه و تحلیل کند. برای این منظور، نگاهی گذرا بر منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهیم داشت و از «علوم و معارف اسلامی»؛ «فرهنگ و تمدن ایرانی»؛ و «آموزه‌های انقلاب اسلامی» به‌عنوان منابع اصیل دیپلماسی فرهنگی این کشور سخن خواهیم گفت. آنگاه، به‌منظور شناخت اهداف، نگاهی بر اسناد بالادستی و نیز اساسنامه سازمان‌های فعال در حوزه دیپلماسی فرهنگی خواهیم نمود و در انتها، ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی را بر خواهیم شمرد.

۱. چارچوب نظری

دیپلماسی فرهنگی، بخش جدایی ناپذیر از دیپلماسی عمومی است (Yang, 2019: 47) که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش می‌پردازد؛ از این رو، فرآیند مؤثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیت منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها در سطوح دوجانبه و چندجانبه ترویج می‌شود (صالحی و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). در این میان، دولت‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: الف) کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها؛ ب) ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدار و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف؛ ج) فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقای درک متقابل میان ملت‌ها (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۰). به عبارتی دیگر، دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مانند ایده‌ها، ارزش‌ها، اطاعات، هنر، زبان و ادبیات، بر افکار عمومی دیگر کشورها تأثیر بگذارد و از همین روست که دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای جذب، اقناع و نفوذ شناخته می‌شود (Ahmed & Others, 2020: 22).

از دیدگاه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، فرهنگ یکی از منابع اصلی قدرت نرم به شمار رفته (Ohnesorge, 2019: 95) و از همین روست که دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز اعمال قدرت نرم به حساب می‌آید که به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). شایان ذکر است که مفهوم قدرت نرم برای نخستین بار توسط «جوزف نای» در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی برای فهم گزینه‌های سیاست خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد طرح گشته و بر توانایی پیگیری منافع ملی در صحنه‌ی بین‌الملل با استفاده از جاذبه و انگیزه به‌جای تمرکز بر استراتژی‌های قهری (اقتصادی و نظامی) دلالت داشت (Davidson & Pérez-Castellanos, 2019: 178). به بیانی دیگر، این مفهوم بر توانایی یک کشور در شکل دادن به ترجیحات کشوری دیگر از طریق جذب و نفوذ به‌جای اجبار - تأکید دارد (Heing, 2019: 43). بر اساس چنین پیوندی است که مهم‌ترین مزیت‌های دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱) مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد؛

۲) عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه؛
 و ۳) جذابیت بیشتر و نامحسوس بودن آن که منجر به هدف قرار دادن ذهن و روح مخاطبان می‌شود (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۹).

۲. منابع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

علوم و معارف اسلامی؛ فرهنگ و تمدن ایرانی؛ و آموزه‌های انقلاب اسلامی، سه منبع فرهنگی اصیلی هستند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی آن‌ها شکل یافته است که در ادامه، توضیحاتی را پیرامون هر یک از این منابع سه‌گانه بیان می‌نماییم:

۲-۱. علوم و معارف اسلامی

اسلام دینی جهانی بوده و جهانی می‌اندیشد. مقیاس‌های این دین، کلی و انسانی است؛ نه قومی، نژادی و ملی. علت گرایش سایر ملل به اسلام نیز به همین ویژگی بازمی‌گردد. نمونه‌ی ممتاز این گرایش، ایرانیان هستند که به واسطه‌ی نزدیکی جهان‌بینی اسلام با جهان‌بینی اشراقی ایران باستان، به سرعت جذب این آیین توحیدی شدند (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۶). این ویژگی متمایزکننده و برتری دهنده، ناشی از فطری بودن اسلام است که جاذبه‌ی عمومی و در نتیجه، جهانی بودن این آیین خریدپسند را فراهم می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۰). این منبع که شامل، قرآن کریم، سنت نبوی (ص)، روایات و سیره معصومین (ع) هست، سبب نزدیکی جمهوری اسلامی ایران با بعضی کشورهای دیگر اسلامی شده است و می‌تواند به راحتی پیام‌های جمهوری اسلامی ایران را به این کشورها برساند.

۲-۲. فرهنگ و تمدن ایرانی

یکی دیگر از منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ و تمدن ایران باستان و ایران بعد از اسلام است. این منبع از آن جهت حائز اهمیت است که سابقه تاریخی و تمدن ایران را - که به قدمت تاریخ بشر است - به رُخ جهانیان کشیده و رشک و احترام ایشان را به این فرهنگ و تمدن غنی برمی‌انگیزد. برخی از شاخصه‌های فرهنگ و تمدن ایران را می‌توان بدین شرح مورد اشاره قرار داد: زبان و ادبیات فارسی، مفاخر تاریخی، بناها و آثار فرهنگی،

آداب و رسوم و سُنن، موزه‌ها، هنرها، آیین‌ها و غیره.

۲-۳- آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران

جهان در قرن بیستم تحولات گوناگونی را در عرصه‌های مختلف تجربه نمود که نمونه آن را می‌توان در دو جنگ جهانی اول و دوم؛ ظهور ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جدید؛ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ انقلاب در ارتباطات و اطلاعات؛ و نظایر آن یافت. یکی از حائز اهمیت‌ترین این تحولات که در رُبع پایانی این قرن حادث گردید، انقلابی است که در جغرافیای سرزمینی ایران به وقوع می‌پیوندد. انقلابی که اگرچه سرآغاز آن را می‌توان در سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ ه.ش جستجو نمود لکن از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ ه.ش به شکل فراگیرتر و با شدت عمل بیشتری دنبال گشته و به یک تعبیر، «اولین جرعه انقلاب» (روبین، ۱۳۶۳: ۱۴۹) روشن و به تعبیر دیگر «یکی از قدم‌های نابودکننده» (کدی، ۱۳۶۹: ۳۵۷) برداشته می‌شود. قدم‌هایی که در نهایت در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ ه.ش به بار نشست و نه تنها توجه جهانیان را به خود جلب می‌نماید بلکه موجی از بهت و حیرت را در میان آنان به همراه می‌آورد؛ چراکه از یک‌سو، «انقلاب در کشوری اتفاق می‌افتاد که مبتنی بر حاکمیت مقتدر نظامی پادشاهی و از حمایت خارجی لازم از سوی بلوک غرب برخوردار بود» (یزدخواستی و اخوان مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۲)؛ و از سوی دیگر، این انقلاب نه تنها با جهت‌گیری ارزشی خویش، بار دیگر بر کارکردهای اجتماعی دین تأکید نمود، بلکه تحولی اساسی را نیز در نظام ارزش‌های دینی موجود پدید آورد. به گونه‌ای که «به نظر می‌رسد جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی انسان‌ها با خدا از رابطه‌ی (دین‌داری) احساسی، مناسکی قبل از انقلاب اسلامی به رابطه‌ی (دین‌داری) پیامدی و فکری بعد از انقلاب اسلامی معطوف شده باشد» (باقری، ۱۳۸۴: ۸). بدین معنا، «مضامین ارزشی دلالت‌کننده بر رابطه‌ی انسان با خدا از ۲۲ درصد قبل از انقلاب اسلامی به ۷۸ درصد بعد از انقلاب اسلامی بالغ شده است. لذا، [...] کل مضامین ارزشی دلالت‌کننده بر رابطه‌ی انسان با خدا بعد از انقلاب، از رشد بیش از ۳/۵ برابر برخوردار بوده‌اند. این رشد در هر یک از ابعاد پیامدی، دانشی از رشد ۱ تا ۶ برابر در نوسان بوده است و در ابعاد مناسکی و اعتقادی نیز بعد از انقلاب اسلامی از افزایش نسبی برخوردار بوده ولی سهم این دو بعد دین‌داری نسبت به سه بعد دیگر دین‌داری (پیامدی، دانشی و عاطفی) بعد از انقلاب کاهش یافته و ابعاد اخیر، به‌طور عمده از افزایش نسبتاً چشمگیری برخوردار بوده‌اند» (باقری، ۱۳۸۴: ۲۶).

برای تبیین علل و انگیزه‌های این انقلاب از نظریات گوناگونی بهره گرفته شده است؛ به‌عنوان مثال، برخی کوشیده‌اند تا از منظری اقتصادی-روان‌شناختی به تبیین این علل پرداخته و از این رهگذر، برخی از نظریه «جیمز دیویس» مدد می‌جویند. بر مبنای نظریه دیویس، انقلاب از محرومیت نسبی ناشی می‌شود و نه از محرومیت مطلق. بدین معنا، به اعتقاد وی «اگر دورانی طولانی از رفاه وجود داشته باشد که طی آن این انتظار ایجاد شود که می‌توان نیازهایی را به‌طور دائم برآورده ساخت و بعد دوره‌ای از افول پیش بیاید که فرد را سرخورده کند، شکاف وسیعی میان آنچه مردم می‌خواهند و آنچه به دست آورده‌اند، شکل می‌گیرد، در چنین شرایطی انتظارات کماکان رو به رشد بوده و رکود ناگهانی اقتصاد، باعث بروز شکاف غیرقابل تحمل شده که در نهایت باعث انقلاب می‌شود. او این شکاف را به شکل منحنی می‌داند. به‌عبارت‌دیگر جیمز دیویس معتقد است، بالا رفتن توقعات اقتصادی مردم به دنبال یک دوره‌ی پیشرفت اقتصادی و رکودی که پس از آن به وجود می‌آید، باعث می‌شود تا مردم از اوضاع به‌طور ذهنی بیمناک شوند و روحیه‌ی انقلابی پیدا کنند» (منابع اینترنتی: اشرافی، ۱۳۹۳/۰۳/۰۱). کسانی که با تطبیق انقلاب اسلامی ایران با این نظریه موافق‌اند، می‌گویند: «روند نوسازی در ایران که از سال‌ها قبل از انقلاب آغاز شده بود، نقطه شروع افزایش انتظارات در ایران است که بعدها با افزایش بهای نفت بر میزان برخورداری‌های عمومی از این روند افزوده می‌شود؛ اما در سال‌های آخر به ناگاه به دلایلی مانند کاهش بهای نفت، رکود گریبان جامعه را می‌گیرد، فاصله غیرقابل تحمل رخ داده، انقلاب می‌شود» (منابع اینترنتی: بررسی‌های نظری درباره انقلاب اسلامی).

این در حالی است که بسیاری بر ناکارآمدی تبیین اقتصادی از علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران صحه گذاشته‌اند؛ به‌عنوان مثال، «میشل فوکو» بر این اعتقاد است که «این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد. زیرا اگر قرار بود که با انگیزه‌های اقتصادی و مادی باشد، اقشار مرفه، نمی‌بایستی در آن شرکت می‌کردند. فوکو از مصاحبه‌های خود با اعتصابیونی که از اقشار مرفه‌اند، خبر می‌دهد؛ مانند کارکنان هواپیمایی ملی ایران یا کارگران پالایشگاه آبادان. فوکو معتقد است که در آن زمان مشکلات اقتصادی در ایران آن‌قدر جدی نبود که بتواند ملتی را در گروه‌های صدهزار نفری، در گروه‌های میلیونی به خیابان‌ها بکشاند و سینه‌های عریان خود را سپر گلوله سازند. از سوی دیگر این‌که پایین‌ترین اقشار این کشور، به لحاظ درآمد، با مرفه‌ترین اقشار متحد شده‌اند، برای فوکو پدیده‌ای شگفت‌انگیز است» (رمضان نرگسی، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

به هر حال، نظریات مربوط به انقلاب را که تلاش شده است تا بر مبنای آن‌ها علل و عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را تبیین نمود می‌توان به شرح زیر مطرح ساخت:

الف) نظریاتی که بر عوامل اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند؛ مانند:

- ۱) «رابرت لونی» در کتاب ریشه‌های اقتصادی انقلاب ایران.
- ۲) «تدا اسکاچپول» در مقاله‌ی دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران.
- ۳) «همایون کاتوزیان» در کتاب اقتصاد سیاسی ایران.
- ۴) افرادی که بر اساس نظریه نظام جهانی «ایمانوئل والرشتاین» مطلب می‌نویسند.

ب) نظریاتی که بر عوامل روان‌شناختی (فردی و اجتماعی) تأکید دارند؛ مانند:

- ۱) افرادی که بر اساس روش روان‌شناسی اجتماعی جیمز دیویس مطلب می‌نویسند.
- ۲) نویسندگانی که بر مبنای نظریه محرومیت نسبی «تد رابرت گر» نوشته‌اند؛ مانند «فرخ مشیری» در کتاب دولت و انقلاب اجتماعی در ایران.
- ج) نظریاتی که بر رهیافت سیاسی به انقلاب تأکید دارند؛ مانند:

- ۱) «یرواند آبراهامیان» در مقاله علل ساختاری انقلاب ایران که بر مبنای نظریه‌ی «ساموئل هانتینگتون» نوشته شده است.
- ۲) کسانی که بر اساس نظریه بسیج منابع «چارلز تیلی» مطلب نوشته‌اند؛ مانند «میثاق پارسا» در کتاب ریشه‌های اجتماعی انقلاب ایران و «جرالد گرین» در مقاله ضد بسیج به عنوان یک روش انقلابی.
- د) نظریاتی که بر رهیافت چند علتی انقلاب تأکید دارند؛ مانند:

- ۱) «مایکل فیشر» در کتاب ایران از اختلاف مذهبی تا انقلاب.
- ۲) «نیکی کدی» در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران.
- ۳) «فرد هالیدی» در مقاله‌ی انقلاب ایران: توسعه ناموزون و مردم‌گرایی مذهبی.
- ۴) «جان فوران» در کتاب مقاومت شکننده (مهرشاد، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

اما، به‌طور کلی عدم توانایی نظریات انقلاب معاصر در تبیین کامل علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران باعث تجدیدنظر تعدادی از آنان در تئوری‌های خود و سوق دادن و هدایت تعدادی دیگر به سوی خلق نظریات جدید در باب انقلاب گردید؛ به‌عنوان مثال، «با مراجعه به نظریه‌های انقلاب قبل از وقوع انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که تا وقوع انقلاب اسلامی رهیافت‌ها یا

نظریات مبتنی بر فرهنگ برای تبیین انقلاب‌ها جایگاهی در میان تئوری‌ها یا رهیافت‌های انقلاب نداشته‌اند. نظریات انقلاب در اوج شکوفایی خود در خلال سه دهه‌ی پنجاه، شصت و هفتاد میلادی شاهد پیدایی رهیافت‌های جامعه‌شناختی، اقتصادی، روان‌شناسانه و سیاسی بوده‌اند. هیچ‌گاه و هیچ اثری از رویکرد یا رهیافتی به نام رهیافت فرهنگی یافت نمی‌شد. حتی به هنگام روی آوردن پژوهشگران و یا اندیشمندان جسوری چون «تدا اسکاچپول» به رهیافت‌های ترکیبی سخن از ترکیب رویکردهای سیاسی و جامعه‌شناسانه است البته با نقطه‌عزیمت و محوریت رهیافت‌های سیاسی و هنوز هم در آثار قلمی هیچ محقق، نظریه‌پرداز و اندیشمندی نشانی از رهیافت فرهنگی نمی‌توان یافت. [اما] دقیقاً از فردای انقلاب اسلامی ایران است که به دلیل ماهیت کاملاً متفاوت این انقلاب با سایر انقلاب‌های عصر جدید و نقش برجسته، گسترده و همه‌جانبه‌ی فرهنگ اسلامی در آن بسیاری از متخصصان انقلاب، ایران‌شناسان و اندیشمندان علوم انسانی و علوم اجتماعی برای تبیین چرایی و چگونگی این انقلاب به سراغ رهیافتی می‌روند که بتواند ابعاد جدید و بی‌سابقه‌ی این انقلاب نوظهور را تبیین نماید» (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۹۹ و ۱۰۰). بر این اساس، رهیافت فرهنگی مورد توجه آنان واقع می‌شود که از جمله برجسته‌ترین و آشکارترین افزوده‌های انقلاب اسلامی ایران به رهیافت‌های گذشته در باب انقلاب است.

طرفداران رهیافت فرهنگی بر این نظرند که اموری نظیر شعارهای انقلاب (بیشتر شعارهای انقلاب بیانگر نارضایتی مردم از وضعیت فرهنگی جامعه بوده است)، نقاط عطف زمانی انقلاب (این نقاط دارای بار مذهبی و فرهنگی بود)، اقشار و طبقات پیشرو در انقلاب (غلظت انگیزش‌های فرهنگی و مذهبی در این اقشار و طبقات بسیار بالا بود)، کانون‌های انقلاب (مکان‌هایی فرهنگی نظیر مساجد) و نقطه‌ی شروع و عزیمت انقلاب (شهر قم) آنان را به ماهیت صددرصد مذهبی، اسلامی، شیعی و در نتیجه فرهنگی این انقلاب رهنمون می‌سازد. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران با ماهیت فرهنگی خود می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد. بدین معنا، انقلاب اسلامی از یک‌سو دارای نگاه و بینش جهانی بوده و همه‌ی جهانیان را مخاطب قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ارزش‌ها و آرمان‌هایش منطبق بر فطرت آدمی بوده و لذا به آن قوام و پایداری می‌بخشد. «روژه گاروردی» -متفکر فرانسوی- درباره انقلاب ایران می‌نویسد: «انقلابی که به رهبری امام خمینی (ره) روی داد، متعلق به تمدن بشری بود و به

یک جامعه و ملت خاص اختصاص نداشت. این انقلاب، همچون نهضت انبیا، مختص همه انسان‌ها و همه جوامع است» (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۲۴).

۳- اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از منابعی نظیر «سند چشم‌انداز»، «سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» - که در سال ۱۳۷۱ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است - و نیز، «اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» اخذ نمود. در ادامه، ضمن بیان مطالبی پیرامون هر یک از این اسناد، به برخی از مهم‌ترین اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

۳-۱- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، اهدافی را در بخش‌های فرهنگی و بین‌المللی مورد اشاره قرار داده است. احراز هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش بودن، تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل برخی از نکاتی است که در این سند مورد توجه قرار گرفته است: «با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی.
- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب.
- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.
- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» (اسناد: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴).

۳-۲- سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در این سند، به‌عنوان یکی از اسناد بالادستی که سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در داخل و خارج از کشور مشخص می‌کند، اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل مورد اشاره قرار گرفته است:

- رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه‌ی جهانی.
- استقلال‌طلبی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات.
- به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته و وجود آدمی در همه شئون و به فعالیت درآمدن استعدادات خداداده و استحصال دفاين عقول و ذخایر وجودی انسان.

- آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی.
 - تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش‌های مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آن‌ها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب.
 - درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی.
- همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، بندهای یک و شش از اهداف فوق را می‌توان به‌عنوان برخی از مهم‌ترین اهداف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تلقی نمود.

۳-۳- اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

در مقدمه‌ی اساسنامه سازمان، درباره‌ی چرایی تشکیل این سازمان آمده است: این سازمان به‌منظور ایجاد تمرکز در مدیریت و برخورداری از سیاست‌گذاری واحد و هماهنگی در فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خارج از کشور و نیز استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود تشکیل می‌شود.

اما اهداف این سازمان عبارت‌اند از:

- احیاء و گسترش تفکر و معارف اسلامی در جهان به‌منظور بیداری مسلمانان و ابلاغ پیام اسلام راستین به جهانیان.
- آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و اهداف و مواضع انقلاب اسلامی و تبیین جایگاه آن برای مردم جهان.
- گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف بخصوص مسلمانان و مستضعفان جهان.
- تقویت و تنظیم مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها و سازمان‌های فرهنگی.
- عرضه صحیح فرهنگ و تمدن ایران و ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیائی و تاریخی آن.
- فراهم آمدن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان و تشکیل جبهه واحد بر اساس اصول مسلم اسلامی.

- مقابله فکری با فرهنگ ضد دینی، ضد اسلامی و ضدانقلابی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان و دفاع از حقوق مسلمانان.
- رشد و ارتقاء و اصلاح وضع فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان به‌ویژه پیروان اهل البیت (ع) در جهان (اساسنامه سازمان فرهنگی و ارتباطات اسلامی).

۳-۴- سایر نهادهای متولی دیپلماسی فرهنگی

یکی دیگر از مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد نهادها و سازمان‌هایی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف تأثیرگذارند. در ادامه، به وظایف و اهداف این نهادها اشاره خواهیم کرد.

۳-۴-۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی

مهم‌ترین کار ویژه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی را می‌توان از وظایف و اهداف تأسیس این شورا استنتاج کرد که عبارت‌اند از:

الف-۱) اهداف

- نشر افکار و آثار فرهنگ انقلاب اسلامی.
- ایجاد و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به‌ویژه ملل اسلامی.

الف-۲) وظایف

- تدوین اصول سیاست فرهنگی کشور در حوزه دیپلماسی فرهنگی
- تجزیه و تحلیل شرایط و جریانات فرهنگی جهان.
- تبیین تأثیر کانون‌ها و ابزارهای مهم در زمینه دیپلماسی فرهنگی
- اتخاذ تدابیر مناسب در عرصه دیپلماسی فرهنگی.
- تصویب اصول کلی و سیاست‌های توسعه روابط علمی، پژوهشی و فرهنگی با کشورهای دیگر.
- نظارت بر فعالیت‌های دستگاه‌های مسئول در عرصه دیپلماسی فرهنگی.
- موضع‌گیری در سطح بین‌الملل نسبت به تحریفات فرهنگی.
- ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول در عرصه دیپلماسی فرهنگی (اساسنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۳-۴-۲. وزارت امور خارجه

وزارت خارجه، به عنوان مسئول و متولی اصلی دیپلماسی کشور، نهاددیگری است که در حوزه دیپلماسی فرهنگی فعال است؛ کارویژه‌ها و اهداف این نهاد در حوزه دیپلماسی فرهنگی عبارت است از:

- بررسی، برقراری، تنظیم، حفظ و توسعه روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی بین‌المللی و نظارت و اشراف بر سایر روابط خارجی.
- تصویب آیین‌نامه نظارت نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران بر نمایندگی‌های سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و نحوه هماهنگی.
- سفرا و مسئولان نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مأموریت خویش مسئول کلیه فعالیت‌های سیاسی، تبلیغی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی بوده و نمایندگان و مأموران سایر وزارتخانه‌ها باید اقدامات و فعالیت‌های خود با آنان هماهنگ سازند.
- همکاری با دستگاه‌های اجرایی کشور و ارائه نظریات لازم با رعایت ملاحظات سیاست خارجی در جهت بررسی و تهیه طرح‌های مربوط به برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی و...
- همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذی‌ربط در اشاعه فرهنگ اسلامی در کشورهای خارجی.
- همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای خبرگزاری‌ها و نمایندگی‌های مطبوعاتی خارجی در چارچوب روابط مقررات و سیاست‌های ارشادی و تبلیغاتی کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.
- همکاری با وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط در انجام امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور و بورس‌های واگذاری به جمهوری اسلامی ایران و بالعکس.
- کلیه نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی ایران مکلف‌اند در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرارداد و همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و نظامی با کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی سیاسی لازم

با وزارت امور خارجه را به عمل آورده و وزارت امور خارجه نیز مکلف است به فراهم آوردن موجبات تأمین هماهنگی و ایجاد ارتباط و تسهیلات لازم بر اساس اصول و سیاست خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را معمول دارد.

۴-۴-۳- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی طبق اساسنامه اش وظایفی به شرح ذیل را بر عهده دارد که عبارتند از:

- معرفی و شناساندن ارزش‌های میراث فرهنگی در سطح ملی و جهانی به وسیله چاپ و نشر مجموعه اطلاعات و تحقیقات انجام یافته و استفاده از وسایل سمعی و بصری و ارتباط جمعی.
- برقراری ارتباطات و مبادلات علمی و فرهنگی با مؤسسات و نهادهای ذی ربط در سطح ملی و بین‌المللی بالأخص کشورهای اسلامی و منطقه و برگزاری کنگره‌ها و سمینارهای دوره‌ای لازم (اساسنامه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری).

۳-۴-۴- سازمان صداوسیما

وظایف و کار ویژه‌های سازمان صداوسیما در حوزه دیپلماسی فرهنگی موارد ذیل را شامل می‌شود:

- سازمان باید از طریق تولید برنامه‌های مفید رادیو، تلویزیونی و عرضه آن در سطح جهانی به گسترش مبادلات و ارتباطات بین‌المللی با رعایت موازین اسلامی اقدام کند.
- برقراری مناسبات فرهنگی دوجانبه رادیو، تلویزیونی با کشورهای دیگر بر پایه حفظ استقلال (اساسنامه سازمان صداوسیما).

۳-۴-۵- سایر موارد

در این رابطه می‌توان به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دیگری نیز اشاره نمود که در اساسنامه خویش وظایفی را در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی بر عهده دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اشاره کرد.

۴- ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته، ابزارهای دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در سه محور: (۱) فعالیت‌های علمی، آموزشی و فناورانه؛ (۲) جهانگردی و مهاجرت؛ و (۳) فعالیت‌های فرهنگی و هنری؛ مورد اشاره قرار داد که در هر یک از آن‌ها، می‌توان ابزارهایی را به شرح زیر بیان نمود:

۴-۱- فعالیت‌های علمی، آموزشی و فناورانه

از جمله مؤلفه‌هایی که در ذیل شاخصه‌ی علمی و آموزشی می‌توان به آن اشاره نمود، بحث مربوط به تبادل اساتید و دانشجویان است. «از دیدگاه آمریکاییان برنامه‌های تبادل دانشجوی می‌تواند نقش حیاتی در تأمین امنیت ملی و رسیدن به اهداف خارجی دیپلماسی کشور ایفاء کند و لذا این کشور برای این امر در یک برنامه‌ی ده‌ساله مبلغی معادل ۱۲۵ میلیون دلار را پیش‌بینی کرده است. از نظر توزیع جغرافیایی این تبادل دانشجوی باید بر مناطق و کشورهای هم‌چون اروپای غربی و خاورمیانه متمرکز باشد؛ چراکه مقوله‌ی امنیت ملی آمریکا در این مناطق مسئله‌ای حادث‌تر و مهم‌تر است. برای نیل به این هدف هم‌اکنون بیشتر دانشگاه‌های آمریکا برنامه‌های تبادل دانشجوی با دانشگاه‌هایی در اقصی نقاط جهان را در دستور کار خود قرار داده‌اند» (خانی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

از دیگر مؤلفه‌های این شاخص می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- برگزاری همایش‌های علمی مشترک
- انجام پژوهش‌های علمی مشترک
- آموزش زبان فارسی
- ایجاد اتحادیه‌های هم‌زبانان.
- انتشار نشریات به زبان کشور مبدأ در کشورهای مختلف.
- برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور متبوع در پیشرفت علم و ادب در سطح جهان و استفاده از شهرت، محبوبیت و موقعیت آن‌ها برای اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی.
- تربیت دیپلمات‌های فرهیخته و آشنا به نقاط قوت و ظرایف فرهنگی هر دو کشور مبدأ و مقصد.

- ایجاد مراکز کشورشناسی و ایجاد این کرسی در دانشگاه‌های کشور مقصد
- اعطای فرصت‌های مطالعاتی به کارشناسان دانشگاهی و علاقه‌مند به فرهنگ و هنر کشور

۴-۲- فعالیت‌های فرهنگی و هنری

یکی از مهم‌ترین ابزارهای فعالیت‌های فرهنگی و هنری به حوزه رسانه مربوط می‌شود. بدین معنا، به نظر می‌رسد که پخش برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی (اعم از فیلم و سریال) و سینمایی یکی از مؤلفه‌های اصلی این‌گونه از فعالیت‌ها است. بدین منظور، استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی؛ سرمایه‌گذاری در تولید اقلام رسانه‌ای؛ ترجمه فیلم‌ها و سریال‌ها؛ و حمایت از سینماگران و هنرمندان کشورها برای تولید فیلم‌های متناسب با ارزش‌های فرهنگی جامعه مبدأ؛ از جمله مؤلفه‌هایی است که از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردند. لازم به ذکر است که «یکی از وجوه ناکارآمدی رسانه در عرصه دیپلماسی فرهنگی زمانی ظهور و بروز می‌یابد که رسانه نمود و کارکردی تبلیغاتی یابد. به‌عنوان مثال، استفاده از ابزارهای رسانه‌ای از قبیل رادیو سوا و شبکه‌ی تلویزیونی ماهواره‌ای الحره برای مخاطبان عرب در خاورمیانه و نیز راه‌اندازی رادیو فردا در کنار تهیه و پخش برنامه‌های فارسی رادیویی و تلویزیونی از طریق صدای آمریکا از جمله سازوکارهایی است که آمریکایی‌ها ظاهراً برای دیپلماسی فرهنگی برگزیده‌اند ولی نمودی و کارکردی به‌شدت تبلیغاتی داشته و تاکنون ناکارآمد ظاهر شده‌اند» (خانی، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

در کنار مؤلفه بالا، می‌توان به انتشار کتاب، مجله و روزنامه نیز اشاره نمود؛ به‌عنوان مثال، تهیه مقالات توسط کارشناسان ایرانی و چاپ آن‌ها در مطبوعات عراقی می‌تواند زمینه را برای درک صحیح‌تر و بینش واقع‌گرایانه‌تر عراقی‌ها در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد. همچنین ایجاد صفحات مجازی در دنیای وب نیز یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که در ذیل فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌تواند مورد توجه جدی قرار گیرد.

از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی و هنری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- برگزاری هفته‌ها و جشنواره‌های فرهنگی و هنری (نمایشگاه عکس، کتاب، خط و ...).
- معرفی مفاخر فرهنگی و هنری ایران و مشترک دو کشور.
- اعزام مبلغان مذهبی.
- تأسیس انجمن‌ها و محفل‌های ادبی و هنری.

۴-۳- جهانگردی و مهاجرت

جهانگردی علاوه بر نقشی که از نقطه نظر اقتصادی دارد، در جنبه های فرهنگی و سیاسی نیز حائز نقش بسیار کلیدی است. بدین معنا، افزایش جذب جهانگردان خارجی در هر کشور، علاوه بر ایجاد منافع اقتصادی متعدد، می تواند نقش مؤثری در آشناسازی افکار عمومی بین الملل با فرهنگ کشور مذکور داشته و به علاوه به ارتقای وجهه بین المللی آن کشور منجر شود؛ فرآیندی که توریسم را در خدمت دیپلماسی قرار می دهد. بر همین اساس است که می توان از جهانگردان به عنوان نمونه هایی از سفیران غیررسمی یا دیپلمات های فرهنگی نام برد.

نتیجه گیری

در عرصه روابط بین المللی، مفهوم قدرت دستخوش تحول شده است؛ در نگاه کلاسیک قدرت هر دولت با میزان توانایی و جنگاوری اش محاسبه می شد و عمدتاً بر توانایی نظامی و انباشت تسلیحات به عنوان شاخصه قدرت دولت ها تأکید می شد. بر این اساس دیپلماسی موفق بود که از پشتوانه نیرومند نظامی و تسلیحاتی بهره مند باشد. در پی انقلاب اطلاعات از اواخر سده بیستم دیپلماسی معنا و مفهومی نوین یافته است و عناصر تشکیل دهنده قدرت دولت ها نیز متحول شده است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان شیوه ای نوین از ابزارهای موفقیت دولت ها بر منابع قدرت نرم متکی شده است؛ از این رو، شناسایی منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بهره گیری از آن ها برای موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ضرورت یافته است. ایران در فرهنگ و تمدن ایرانی، فرهنگ و تمدن اسلامی و در حوزه ی بین تمدنی، ظرفیت ها و قابلیت هایی چشمگیری دارد که بهره گیری مناسب از این منابع مستلزم برنامه ریزی و دستور کارهایی اجرایی است. بهره گیری مناسب از این ظرفیت در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می تواند پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور را تسهیل کند. جمهوری اسلامی ایران در یک تقاطع فرهنگی، تمدنی و ژئوکالچری منحصر به فرد واقع شده است که عدم بهره گیری مناسب از این ظرفیت ها ممکن است سبب افزایش منابع تهدیدکننده جمهوری اسلامی ایران نیز منجر شود؛ بنابراین، طراحی برنامه ای جامع برای شناخت و به کارگیری این منابع یک ضرورت است.

منابع

۱. اساسنامه سازمان صداوسیما، مصوب ۱۳۶۲/۰۷/۲۷ مجلس شورای اسلامی.
۲. اساسنامه سازمان فرهنگی و ارتباطات اسلامی، مصوب ۱۳۷۴/۰۴/۱۰.
۳. اساسنامه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۶۷/۰۲/۰۱ مجلس شورای اسلامی.
۴. اساسنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹). «ایران چه حرفی برای گفتن دارد» تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. اشرافی، مرتضی (۱۳۹۳/۰۳/۰۱)، «جیمز دیویس». برگرفته از پایگاه اینترنتی پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) به نشانی: <http://www.pajoohe.com/FA/index.php?Page=defini-tion&UID=46416>.
۷. امیدوار، احمد؛ و حسین یکتا (۱۳۷۹). امام خمینی^(ع) و انقلاب اسلامی روایتی جهانی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
۸. باقری، شهریار (۱۳۸۴). «مقایسه نظام ارزش‌های دینی منعکس شده در مطبوعات، قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، مجله‌ی متین، شماره ۲۸ و ۲۹.
۹. (بی‌تا). «بررسی‌های نظری درباره انقلاب اسلامی». برگرفته از پایگاه اینترنتی پرتال جامع علوم انسانی: <http://www.ensani.ir/fa/content/125030/default.aspx>.
۱۰. حسن خانی، محمد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳.
۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر کتیبه.
۱۳. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۴). «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران»، آموزه، شماره ۷، بهار.
۱۴. روبین، اری (۱۳۶۳). جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه‌ی محمود مشرقی، تهران: آشتیانی.

۱۵. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.

۱۶. صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی، تهران: نشر ققنوس.

۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). «خدمات متقابل اسلام و ایران»، تهران: صدرا.

۱۸. ملکی، عباس (۱۳۸۷). «مفاهیم جدید در دیپلماسی فرهنگی». روزنامه آفتاب یزد، ۳ فروردین ماه.

۱۹. مهرشاد، احمد (۱۳۸۹). «انقلاب در نظریه‌های انقلاب: بحثی پیرامون گستره مفهومی نظریه‌های انقلاب و چرخش‌های تئوریک آن‌ها پس از انقلاب اسلامی ایران»، دو ماهنامه سوره، شماره ۴۸-۴۹، بهمن و اسفند.

۲۰. یزدخواستی، بهجت و اخوان مهدوی، محسن (۱۳۹۰). «بازخوانی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر راز ماندگاری و پویایی انقلاب»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲، تابستان.

21. Ahmad, Ibtisam; Colombo, Elena; Muir, Robyn (2020), "The Politics of Culture: An Interrogation of Popular Culture", London: Cambridge Scholars Publishing.
22. Davidson, Lee; Pérez-Castellanos, Leticia (2019), "Cosmopolitan Ambassadors: International exhibitions, cultural diplomacy and the polycentral museum", U.S.A: Vernon Press.
23. Heing, Bridey (2019), Soft Power and Diplomacy, U.S.A: Greenhaven Publishing LLC.
24. Ohnesorge, Hendrik (2019), Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations, U.S.A: Springer Nature.
25. Yang, Yifan (2019), "Telling the EU's Story by Others: The Jean Monnet Programme and European Union Public Diplomacy", U.S.A: Rowman & Littlefield.